

دادگاه نظامی نورمبرگ پس از چهل سال*

دکتر رضا فیوضی

1. مقدمه

1- تشکیل دادگاه نظامی نورمبرگ برای رسیدگی به اعمال سران نظامی و غیرنظامی آلمان پس از جنگ دوم جهانی و شکست آن کشور، بدون تردید یکی از مهمترین حوادث تاریخ است. در مورد این دادگاه و تأثیر آن در تحول حقوق بین‌الملل عمومی و همچنین در انتقاد و یا تجدیل از آن، کتب و مقالات زیادی نوشته شده و قطعاً در آینده نیز تحقیق و بحث در اطراف آن ادامه خواهد داشت.

در دادگاه اصلی نورمبرگ، بازجویی و دادرسی از بیست و دو نفر از سران مهم و شش سازمان اداری و نظامی آلمان صورت گرفت. تعقیق و مجازات ده نفر از متهمان به علت فوت و یا وضع مزاجی نامناسب آنها متناوباً انجام گردید و دادرسی يك

*. مقاله تحقیقی حاضر از کتب و مقالات متعدد، از جمله رساله لیسانس نویسنده و همچنین دایره‌المعارف حقوق بین‌الملل و نیز مقاله قاضی جکسن (jackson) که مشخصات آن در صفحات آتی آمده گرفته شده است.

نفر، یعنی مارتین بورمان، غیاباً صورت گرفت.

نتیجه کار و رأی دادگاه های نظامی نورمبورگ، اعم از دادگاه اصلی و فرعی، به این شرح بود: سی و شش نفر محکوم به مرگ و بیست سه نفر از جرائم انتسابی تبرئه شدند.¹ همچنین این دادگاه سی و سه نفر را به حبس ابد و عده ای را به بیست و پنج سال زندان محکوم کردند که کمترین محکومیت یک سال زندان بود. بعضی از آرای محکومیت به مرگ، سال بعد اجرا گردید.

از کسانی که در دادگاه اصلی به زندانهای طولانی محکوم شدند، تا این اواخر فقط رودولف هس در زندان اشیاندو زنده بود و اخیراً فوت کرد. دیگر زندانیان یا دوران زندان خود را تمام کردند و یا سالهای قبل فوت شده اند و گروه دیگری نیز به علت رفتار خوب آزاد شدند، ولی در نظارت مقامات نظامی کشورهای چهارگانه متفق باقی هستند.

1. L'edition française du jugement rendu par le tribunal militaire de Nuremberg (Imprimerie des journaux officiels), Paris, 1946.

در تاریخ هشتم ماه مه 1958 چهار نفر از افرادی که در زندان لندزبرگ² زندانی بودند آزاد شدند. دولت آلمان فدرال تاکنون در مقابل درخواست احزاب سیاسی و مردم برای صدور عفو عمومی، مخالفت کرده و به جای آن مبادرت به تشکیل کمیسیونهای مختلط عفو نموده است و با توصیه این کمیسیونها افرادی از زندان آزاد و یا از آزادی مشروط استفاده کرده اند.

اکنون که بیش از 40 سال از تشکیل این دادگاه می‌گذرد (1985 چهلمین سال تشکیل دادگاه بوده است) و با توجه به اهمیت و تأثیر آن در حقوق بین‌الملل، مروری به این واقعه تاریخی، مفید به نظر می‌رسد. قبل از ورود به اصل موضوع، توجه به ملاحظات زیر ضروری است:

2- اینکه چه کسانی مرتکب جرائم جنگی شدند، خود بحث مفصلی را می‌طلبد، ولی همین اندازه متذکر می‌شویم که اگر گفته شود آلمانیها مرتکب جرائم و جنایات جنگی و بین‌المللی شدند، مسئله به درستی مطرح نشده است. در این مورد باید بین ملت آلمان و ارتش تاریخی او

2. Landsberg .

از يك طرف و نازيها و يگانهاي ارتشي كه منحصرأ از افراد متعصبنازي تشكيل و توسط افسران تربيت شده با ايدئولوژي نازيسم فرماندهي مي شدند از طرف ديگر، قائل به تفكيك شد. ارتش غيرنازي آلمان، با رعايت قواعد و قراردادهاي بين المللي ناظر به جنگ، جنگيدند و بسيار اتفاق افتاد كه افسران كردان و لايق در همه رده ها به علت عدم اجراي دستورات مخالف قواعد بين المللي جنگ كه از طرف فرماندهي كل صادر مي شد، از كار بركنار و يا تسليم دادگاههاي نظامي شدند. براي اين موضوع مي توان در طول جنگ مثالهاي زيادي ارائه كرد. در دادگاه نورمبرگ نيز همين مطلب تأييد گرديد. البته اعمال خلاف قانون و حقوق زيادي نيز اتفاق افتاد كه شكي در آنها نيست و مرتكبان آنها نيز به حبس يا اعدام محكوم شدند.

3- در مورد آنچه مربوط به كشورهاي فاتح و يا متفقين مي شود، بايد گفت آنها هم چندان فرشته و ش از جنگ بيرون نيامدند. اگر روزي بايگاني نظامي و محرمانه آنها به روي مورخان باز شود،

دیده خواهد شد که فهرست اعمال خلاف حقوق آنها در جنگ نیز طولانی و بلند است. بعضی از این وقایع تأسف‌آور آنقدر بزرگ و مشهور بودند که امکان مخفی کردن آنها وجود نداشت و همه جهانیان از آنها مطلع شدند و در مورد آنها کتابها و مقالات زیادی نوشته شد؛ ولی حوادث و اتفاقات زیاد دیگری نیز در نقض قواعد جنگی بوقوع پیوست که کسی از آنها آگاه نشد. در این زمینه به ذکر یک مثال قناعت می‌شود: حمله به ایران در شهریور 1320 در مفهوم رأی دادگاه نورمبرگ یک عمل خلاف حقوق بین‌الملل بود.

4- در مورد ماهیت دادگاه نورمبرگ در زمینه‌های حقوقی و غیرحقوقی بحث‌های زیادی شده است. مسئله اصلی این است که آیا تشکیل این دادگاهها از طرف کشورهای فاتح برای محاکمه سران یک کشور شکست خورده منطبق با اصول انصاف و عدالت و موازین حقوقی بوده یا خیر؟ چرا که این دادگاه را یک سازمان بین‌المللی و یا کشورهای بی‌طرف تشکیل ندادند؟ در مورد سؤال آخر، پاسخ متفقین این بود که قرارداد 1945 لندن، که به نام منشور

دادگاه نظامی نورمبرگ... ❖ 137

دادگاه نورمبرگ معروف است، يك قرارداد بين‌المللي بود كه همه كشورها، اعم از بيد طرف و يا متفق، مي‌توانستند به آن ملحق شوند و تا آغاز دادگاه نيز نوزده كشور منشور لندن را امضاء كردند.³

5- به هرحال، تحقيق براي يافتن پاسخهاي مناسب به اين سؤالات، بحث را به مقولات فلسفي و اخلاقي و نظريه حق با قوي است مي‌كشاند كه پا يان‌نا پذير بوده و نتيجه‌اي هم بر آنها مترتب نيست، بلكه ترجيحاً بايد اين نکته را به خاطر داشت كه دادگاه نورمبرگ با همه نقصها و ايراداتي كه مي‌توان براي آن شمرد در تحول و توسعه حقوق بين‌الملل جزائي، كه ماهيتاً ضمانت اجرا را بسيار مشكل مي‌پذيرد، تأثير شگرفي نمود. دادگاه نورمبرگ، رويه قضايي روشني در ضمانت اجراي حقوق جنگ بود و به جامعه انساني. اكنون و در آينده، كشوري كه مبادرت به جنگ تهاجمي مي‌كند بايد بداند احتمالاً چه سرنوشتي در انتظار او است. البته

3. يونان، دانمارك، يوگسلاوي، هلند، چكوسلواكي، لهستان، بلژيك، اتيوپی، استراليا، هندوراس، لوکزامبورگ، هائیتی، نيوزيلند، هلند، ونزوئلا، اروگوئه و پاراگوئه.

به طوریکه گفته شد دادگاه نقصهای زیادی هم داشت که به هر حال جای خود را دارند. مثلاً انتخاب قاعده «امر مافوق رافع مسئولیت نیست.» در منشور لندن نه حقوقی بود و نه اخلاقی... و لی چاره دیگری نبود. مگر حقوق همیشه با اخلاف الفت و سازگاری دارد؟

پروفسور دونودیو دووابر⁴ حقوقدان مشهور و قاضی فرانسوی دادگاه، در مورد این نارسائیهها می‌گفت: «بهتر است عدالت را بطور ناقص اجرا کنیم تا اینکه آن را اصلاً اجرا نکنیم.»

حقوق جنگ و سابقه دادگاه نورمبرگ

1- حقوق جنگ

جنگ گرچه يك پدیده مخرب حقوق است، ولی خود تابع نظم خاص و مجموعه قواعد و قراردادهایی است که از چند سال پیش به مرور از طرف دولتها، براساس عرفهای قدیمی تدوین و قبول شده است.

مهمترین این اسناد حقوقی عبارت است از: اعلامیه پاریس را جمع به بیطرفی در

4. DONNEDIEU DE VABRES: *Cours de doctorat*, Paris, 1946-1947.

جنگ دریایی، اعلامیه 1868 سن پترزبورگ در مورد گلوله‌هایی که به کار بردن آنها مجاز نیست، اعلامیه 1874 بروکسل و قراردادهای 1899 (سه قرارداد) و 1907 (14 قرارداد) لاهه که می‌توان آنها را تدوینی کامل از حقوق جنگ دانست و قرارداد 1922 واشنگتن راجع به استفاده از زیردریایی. در بین اسناد حقوقی مذکور، قرارداد چهارم 1907 لاهه بسیار واجد اهمیت است، زیرا مجموعه نسبتاً کاملی از قواعد جنگی است. مثلاً گرچه در این قرارداد در مورد سلاحهایی که استعمال آنها در جنگ ممنوع می‌باشد، ذکری از بمب اتمی و یا هیدروژنی نشده است، مع ذلك استعمال این نوع بمبها با مدلول ماده 4 آن مغایرت دارد. مجموعه این اسناد حقوقی بعد از جنگ دوم جهانی با چهار قرارداد 1949 ژنو و نیز قرارداد بین‌المللی 1948 در مورد سرکوبی جنایت نژادکشی⁵ و قرارداد 26 نوامبر

5. Génocide: از لاتین و به معنای نژادکشی... کشتار و انهدام یک نژاد خاص به دلایل نژادی، مذهبی، ایدئولوژیکی، رنگ پوست و غیره. ژنوسید در سال 1968 موضوع یک قرارداد بین‌المللی قرار گرفت که ایران نیز عضو آن است.

1968 در مورد عدم شمول مرور زمان درباره جنایات جنگی و جنایات ضد انسانی⁶ همان پدیده مدون حقوق جنگ به شمار می‌رود.

علاوه بر این، قرارداد 1954 لاهه راجع به حفظ آثار تاریخی در زمان جنگ، قرارداد 1963 مسکو در مورد منع آزمایشات اتمی در فضا و زیر دریا، قرارداد 1968 در مورد منع گسترش سلاحهای هسته‌ای، قرارداد 16 فوریه 1971 در مورد منع استقرار سلاحهای هسته‌ای در دریا و کف دریا، قرارداد 1972 در مورد منع سلاحهای میکروبی و شیمیایی، قرارداد های یکم و دوم «سالت»⁷ بین شوروی و آمریکا راجع به محدودیت سلاحهای اتمی استراتژیک و وسایل پرتاب و یا حمل آنها (سلاحهای 1971 — 1979)، و سرانجام قراردادهای احتمالی آینده مربوط به حذف موشکهای متوسط و کوتاهبرد در اروپا نیز از جمله عناصر دیگر مجموعه مدون حقوق جنگ می‌باشد.⁸

6. Imprescriptibilité des crimes contre l'humanité et crimes de Guerre.

7. Strategic Arms Limitation Talks (S.A.L.T.)

8. در زمینه حقوق جنگ رک. به دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی: «حقوق جنگ»، مجله حقوقی، شماره 6، ص 45-71.

به این فهرست قراردادها باید قراردادهاي ديگري را اضافه کرد که هنوز اعتبار اجرایی نیافته اند.

2- سابقه دادگاه نورمبرگ

قبل از اینکه به سابقه دادگاه نورمبرگ بپردازیم، یادآوری این مطلب ضروري است که بعد از پایان جنگ اول جهانی، در مواد 228، 227 و 230 قرارداد ورساي پیش‌بینی شده بود افرادی که در ارتش آلمان مرتکب جرائم جنگی شده‌اند باید به دولتهای متحد (فرانسه و انگلیس) تحویل گردند تا در يك دادگاه نظامی محاکمه شوند. ماده 227 مربوط به شخص ویلهلم دوم امپراتور آلمان بود که به هلند پناهنده شده بود. به‌موجب این ماده، امپراتور ویلهلم باید به دلیل جریحه‌دار کردن موازین اخلاقی بین‌المللی و عدم رعایت اصل اعتبار قراردادها در يك «دادگاه ویژه»⁹ محاکمه شود. دولت هلند در مقابل فشارهای متفقین برای استرداد ویلهلم دوم مقاومت نمود. از نظر دولت هلند استرداد مجرمان بنابر قواعد عمومی

9. Ad hoc.

حقوق استرداد، در مقابل جرائم مشخص و معین و مذکور در قرارداد استرداد است و در قراردادهایی که هلند امضاء کرده است جرمی به عنوان جریحه دار کردن¹⁰ قواعد اخلاقی بین‌المللی وجود ندارد؛ بنابراین این دولت از اجابت درخواست متفقین معذور است...

به موازات این اقدام، دولتهای متفق براساس مواد 228 و 230 قرارداد ورسای از آلمان خواستند که 900 نفر از کسانی که متهم به ارتکاب جنایات جنگی بودند برای دادرسی به آنها تحویل شوند. دولت آلمان اجرایی تقاضای متفقین را به تأخیر انداخت و عاقبت دولتهای فاتح قبول کردند که فقط گروه کوچکی از این متهمان در مقابل دادگاه آلمانی در شهر لایپزیگ¹¹ محاکمه شوند؛ ولی بیشتر این متهمان تبرئه و تنها چند نفری به زندانهای بسیار کوتاه محکوم شدند و این امر موجب انتقادات زیادی در کشورهای فاتح جنگ گردید.

10. Offense suprême contre la morale internationale...

11. در مورد دادگاه لایپزیگ ر.ک. به: *The Leipzig Trials*, Londre, 1921.

3- جنگ دوم جهانی

در جنگ دوم جهانی با توجه به این تجربه نامطلوب، نمایندگان نه کشور پناهنده به لندن، طی اعلامیه مشترکی به نام اعلامیه سنت جیمز مورخ سیزدهم ژانویه 1942 اعلام داشتند که تنبیه و مجازات جنایتکاران جنگی، یکی از هدفهای اصلی ادامه جنگ است.

4- اعلامیه مسکو

در اکتبر 1943 هفده کشوری که با آلمان در جنگ بودند کمیسیون مشترکی به نام «کمیسیون جنایات جنگی» تشکیل دادند و در تعقیب این اقدام در تاریخ 30 اکتبر 1943 در کنفرانس مسکو، روزولت اعلام داشتند که آن دسته از افسران و یا سربازان و یا اعضای حزب نازی که در قتل و انهدام و غارت مردم کشورهای اشغالی شرکت داشته‌اند بعد از خاتمه جنگ به کشورهای محل ارتکاب جرم تحویل خواهند شد تا مجازات شوند و در مورد آن گروه از سران آلمان که جرمهای ارتكابي آنان محدوده جغرافیایی خاصی ندارد دادگاهی

که با تصمیم کشورهای متفق تشکیل خواهد شد آنها را محاکمه و مجازات خواهد کرد. در بیانیة مسکو نحوه تشکیل دادگاه و صلاحیت آن و جرائم استنادی معین نبود و حل مسئله به آینده موکول گردید. در این زمان بین متفقین جریان‌های فکری مختلفی در مورد متهمان وجود داشت و بعضی عقیده داشتند این افراد به محض دستگیری باید طبق موازین حقوقی در یک دادگاه بین‌المللی که کار آن در معرض قضاوت افکار عمومی جهان قرار خواهد گرفت، محاکمه شده و به مجازات اعمال خلاف خود برسند؛ به علاوه فایده مهم دیگر این دادگاه آن است که یک سابقه و رویه قضایی در مورد جنایات جنگی بوجود خواهد آمد. به هر حال، در مسکو قرار بر این شد که موضوع مورد مطالعه چهار دولت باشد.

5- تذکارية يالتا¹²

در سال 1945 جنگ در شرف پایان بود، ولی هنوز راجع به دادگاه آینده و اینکه

¹² در مورد سوابق اعلامیه مسکو، تذکارية يالتا و غيره رک. به:

M. MERLE: *Le proces de Nuremberg et châtiment des criminels de Guerre*, Paris, Pedone, 1949.

اصولاً باید دادگاهی باشد یا خیر، تصمیم روشنی گرفته نشده بود. حتی در این زمان چرچیل و سیمون وزیر دادگستری انگلیس بر این عقیده بودند که مجرمان چنگی باید بلافاصله بعد از دستگیری اعدام شوند. کم کم این نظریه در امریکا بین مشاوران روزولت هم زمینه پیدا کرد. تنها وزیر دفاع امریکا استیمنسن¹³ به شدت از طرح تشکیل دادگاه نظام بین‌المللی طرفداری می‌کرد و به همین دلیل طرحی را که بعدها به نام «تذکارتیة یالتا» نامیده شد، تهیه نمود و قرار شد روزولت آن را در کنفرانس یالتا مطرح سازد. در این طرح گفته شده بود که «محکومیت این جنایتکاران بعد از محاکمه... مورد تأیید مردم جهان خواهد بود و در آینده نیز تاریخ آن را محترم خواهد شمرد. مضافاً اینکه تشکیل يك دادگاه بین‌المللی سبب خواهد شد تا برای آیندگان سند مهمی از جنایات نازی و جنایتکاران آن باقی بماند.»¹⁴

13. Stimson.

14. United States Department of State, Pub. No. 3080 at 6 1949 (I.C.M.T.).

در تاریخ دوم مه 1945 ترومن رئیس جمهور امریکا، قاضی جکسن قاضی دادگاه عالی فدرال را به سمت دادستان امریکا در دادگاه آینده منصوب کرد و به او مأموریت داد تا پس از مذاکره با دیگر کشورهای متفق در مورد نحوه تشکیل دادگاه تصمیم گرفته شود. قاضی جکسن در تاریخ ششم ژوئن 1945 پیشنهادات خود در زمینه تشکیل دادگاه آینده و نحوه کار و جرائمی که مورد استناد هیأت‌های دادستانی قرار خواهد گرفت و دیگر مسایل فنی و حقوقی آن را طی گزارشی به رئیس جمهور تسلیم نمود.¹⁵

6- کنفرانس لندن - منشور لندن

در هشتم اوت 1945 از نمایندگان مختار چهار کشور بزرگ در جنگ به منظور تهیه مقدمات دادرسی و مجازات جنایتکاران سران کشورهای محور (آلمان و ایتالیا) تشکیل و گزارش قاضی جکسن به ترومن رئیس جمهور امریکا مطرح گردید. در این کنفرانس اختلاف نظرهای شدیدی بین نمایندگان شرکت کننده که هر کدام مظهر

15. Dept. State Bull, Vol. 12 (1945), P. 1071.

و معرف يك سيستم حقوقي خاص بودند و استنباطهاي گوناگوني از اصول و مفاهيم حقوق و آئين دادرسي جزائي داشتند، بروز كرد. علاوه بر اين انگيزههاي احساساتي و سياسي ناشي از صدمات و رنجهاي دوران جنگ كه در مورد هر يك از كشورهاي متفق شدت و ضعف داشت، اين اختلافات را عميقتر مي كرد، تا جايي كه احتمال مي رفت كار كنفرانس به جايي نرسد؛ ولي به هر حال، با توجه به موقعيت زماني آن روز و خاتمة جنگ و اين الزام كه بايد در مورد دادگاه تصميم روشني گرفته شود، نمايندگان در نظرات خود نرمش نشان دادند، به نحوي كه توانستند اختلافات اساسي را كنار گذارند و با هم الفت و سازش كنند.

در كنفرانس لندن شهر نورمبرگ واقع در منطقه شمالي آلمان به عنوان محل تشكيل دادگاه تعيين گرديد و در زمينه ترتيبات تشكيل آن و نحوه كار و تعداد هيأتهاي دادستاني و قضات و آئين دادرسي تصميمات مقتضي گرفته شد. قواعد مقرر در كنفرانس لندن، بعداً به تصويب نوزده كشور ديگر رسيد. همچنين قرار شد دادگاه

آینده مرکب از چهار قاضی باشد که هر کشور بزرگ متفق یک نفر حقوقدان عالیرتبه را به این منظور معرفی نماید. به علاوه مقرر گردید هر کشور در دادگاه یک هیأت دادستانی داشته باشد که مشترکاً در مقابل دادگاه عمل خواهند کرد و همچنین کنفرانس مذکور، لرد لاورنس انگلیسی را به سمت ریاست دادگاه معرفی نمود.¹⁶

در منشور لندن تصریح شده بود که دادگاه نورمبرگ منحصرأً وظیفه محاکمه و مجازات سران کشورهای محور در اروپا، یعنی آلمان و ایتالیا، را به عهده خواهد داشت. بعداً دادگاهی معادل آن در خاور دور برای محاکمه متهمان و جنایتکاران جنگی ژاپن به نام دادگاه نظامی توکیو در سال 1946 تشکیل گردید و یازده کشور در آن عضویت داشتند.

7- مسایل حقوقی بنیادی دادگاه نورمبرگ

درکنفرانس لندن گذشته از حل مسایل اداری، سازمانی و نیازمندیهای دادگاه،

16. اسامی قضات و هیأت‌های دادستانی در ضمیمه شماره یک آمده است.

لازم بود نسبت به يك سلسله از مسایل بنيادي حقوقي نيز كه بر اساس آنها بايد محاکمات صورت گیرد توافق شود. اين مسایل به شرح زیر بودند:

1- وظیفه دادگاه چه خواهد بود؟

مسئله مهمی كه در كنفرانس لندن مطرح شد اين بود كه آیا وظیفه دادگاه تعیین مجازات برای کسانی است كه قبلاً فرض بر مجرمیت آنان شده، یا اينكه وظیفه آن انجام دادرسی با رعایت کلیه موازین حقوقي و آئین دادرسی معمول در کشورهای متمدن است؟¹⁷ شورویها و تا حدودی فرانسویها و انگلیسیها معتقد بودند حدود و دامنه اعمال جنایتکارانه این متهمان آنقدر وسیع است كه انجام دادرسی و اثبات جرم آنها اتلاف وقت است، به علاوه این موضوع تلویحاً در كنفرانس مسكو و یالتا حل شده است؛ بنابراین محاکمه ضرورتی ندارد و دادگاه باید منحصرأ تعیین مجازات نماید. چنین نظری طبعاً منجر به این می شد كه دادگاه حق

17. برای ملاحظه ادعا نامه رك. به:

Articles et documents du Ministeres Franciase de l'information Nouvelle, serie No. 349, 1954; War Criminal, N. Prit, Londres, 1945.

صدور حکم برائت و یا زندانهای کوتاه مدت را ندارد و متهمان نیز از حق دفاع کامل و اقامه دلیل و احتمالاً تقاضای احضار شاهد محرومند.

در قبال چنین نظری، نماینده امریکا گفت: «در ایالات متحده حتی رئیس جمهور حق ندارد کسی را زندانی و یا محکوم اعلام کند. چنین تصمیماتی منحصراً باید از طرف یک دادگاه ذیصلاحیت اتخاذ شود. بنابراین از نظر ایالات متحده هیچ راهی نیست جز اینکه دادگاه نظامی آینده، دادرسی متهمان را براساس ضوابط حقوقی انجام دهد و نسبت به مجرم بودن و یا نبودن آنها تصمیم گیرد. به علاوه این روش تنبیه مجرمان را نیز از نظر افکار عمومی جانیان بهتر توجه می‌کند.» با این استدلال، نماینده شوروی نیز از نظر خود عدول کرد.¹⁸

2- صلاحیت دادگاه

به موجب منشور لندن، برای دادگاهی که باید تشکیل شود، دو نوع صلاحیت منظور گردید:

18. The International Lawyer, 1986, p. 872.

الف - صلاحیت شخصی¹⁹:

بر اساس این صلاحیت به دادگاه حق داده شد افراد عالیرتبه و درجه یک دولت آلمان و حزب ناسیونال سوسیالیست را که مقامات مهمی در سیستم راییش سوم داشته‌اند و عملیات خلاف حقوق آنان محدوده جغرافیایی خاصی ندارد و در نتیجه نمی‌توان آنها را به دولت دیگری تحویل داد، محاکمه و محکوم نماید. تعداد این افراد موقتاً 24 نفر تعیین شد و تا زمان تشکیل دادگاه در این فهرست تغییراتی حاصل نشد.²⁰

19. Ratione personae.

20. برای نام و سمت‌های این افراد رک. به ضمیمه شماره 2.

توضیح: قبل از اینکه این متهمان مشخص شوند، آدولف هیتلر پس از تنظیم دو وصیتنامه سیاسی و خصوصی، روز 31 ماه مه 1945 و قبل از ورود نیروهای شوروی به محل «شانسلری» در برلن، با همسرش «اوا براون» انتحار کردند. بد نیست بدانیم که کلیه مایملک او موقع مرگ در حدود پنج هزار مارک بود. درآمد او از حق التالیف کتاب نبرد من همیشه وقف حزب ناسیونال سوسیالیست بود. دکتر گوبلز وزیر تبلیغات نیز با همسر و چهار دختر خردسالش روز بعد در همان حل «شانسلری» خودکشی نمودند. هیملر رئیس گشتاپو پس از دستگیری از طرف نیروهای انگلیسی خودکشی کرد. مارتین بورمان معاون هیتلر پس از مرگ هیتلر به قصد خروج از برلن از دفتر خود خارج شد، ولی در جنگ‌های خیابانی کشته شد.

مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی²¹: در کنفرانس لندن نماینده امریکا پیشنهاد کرد به دادگاه صلاحیت داده شود تا در مورد بعضی از اشخاص حقوق عمومی آلمان مانند سازمانهای پلیس امنیتی و حزب ناسیونال سوسیالیست و غیره تحقیق شود و در صورت لزوم اینگونه سازمانها را جنایتکار اعلام نماید. نماینده شوروی این امر را تحصیل حاصل میدانست. به نظر او در کنفرانسهای مسکو و کریمه در مورد محکومیت تمام سیستم نازی و سازمانهای مربوطه آن اظهار نظر شده و تمام آنها بطور کلی جنایتکار اعلام شده اند. از نظر نماینده فرانسه چنین پیشنهادی گذشته از اینکه با اصل عدم مسئولیت جزایی اشخاص حقوق عمومی مغایرت دارد²²، اصولاً در سیستم قانون نوشته بدون سابقه است. نماینده انگلیس نیز تردید داشت در اینکه طرح چنین مطلبی در منشور دادگاه عقلائی باشد. نماینده امریکا در پیشنهاد خود پافشاری کرد و سرانجام طرح نهایی

21. در مورد مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی رك. به: The Int'l
.Lawyer, 1986

22. *Societas non Pateat delinquere*: «شخصیت حقوقی مسئولیت جزایی ندارد.»

پیش‌بینی شد در مواردی که یکی از متهمان منسوب به سازمان اداری خاصی باشد دادگاه صلاحیت خواهد داشت نسبت به آن سازمان اداری نیز اظهار نظر نماید. دادگاه نورمبرگ در رأی خود نظر داد که «اعلام يك سازمان به عنوان جنایتکار مبین این نیست که همه افراد آن سازمان جنایتکارند، بلکه کسانی که رأساً در ارتکاب اعمال خلاف حقوق شرکت داشته‌اند، متهم هستند.»

طبق مواد 9 و 10 منشور لندن اشخاص حقوق عمومی و یا سازمانهای اداری آلمان که قرار شد دادگاه نسبت به اعمالشان اظهار نظر کرده و آنها را سازمان جنایتکار بدانند یا خیر، به شرح زیر بودند:

1— دولت آلمان (در مفهوم هیأت دولت).

2— حزب ناسیونال سوسیالیست.

3— سازمان اس.اس. «گروه‌های حمله یا نیروی ویژه».²³

4— سازمان اس.د. «سرویس اطلاعات ویژه».²⁴

23. Schutzstaffel.

- 5- گشتاپو «پلیس امنیت کشور».²⁵
- 6- اس. آ. «نیروهای طوفان یا نیروی
ضربتی».²⁶
- 7- ستاد کل فرماندهی ارتش آلمان
(ا. ک. و).²⁷

24. Sicherheitsdienst.

25. Geheime- Staats.

26. Crimes de Guerre.

27. Ober Commandant des Wehrmacht (O.K.W.).

ب - صلاحیت موضوعی²⁸:

در زمینه صلاحیت موضوعی ب هدادگاه
اختیار داده شده بود که در مورد سه
نوع جرم اتخاذ تصمیم کند:

1- جنایات جنگی²⁹

2- جنایات ضد انسانی³⁰

3- جنایات بر ضد صلح³¹

الف - جنایات جنگی عبارت است از
اعمال خلاف حقوق در نقض قواعد قراردادی
و یا قواعد عرفی ناظر به عملیات جنگی
در زمین، دریا و هوا (ماده 6 منشور).
ب - جنایات ضد انسانی³² به اعمالی
اطلاق می‌گردد که مخالف قواعد حقوقی
انسان متمدن و اخلاق و شئون بشری است،
مانند غارت و چپاول اموال، انهدام
شهرها و قصبات و کشتار دسته‌جمعی و اعزام
افراد غیر نظامی به کار اجباری و یا
تبعیدگاه‌ها و همچنین اعمالی که به آنها
ژنوسید (نژاد کشی) اطلاق می‌شود. واضعان
منشور پیشنهاد کرده بودند که حدود

28. *Ration materiae.*

29. *Crimes de Guerre.*

30. *Crimes Contre L'humanite.*

31. *Crimes Contre la Paix.*

32. در مورد جنایات ضد انسانی رک. به:

Nouvelle Resume de droit Int. Prvé, 1946, no. 2.

مسئولیت متهمان این جرم شامل عملیات ضدانسانی قبل از آغاز جنگ نیز باشد؛ ولی دادگاه فقط اعمال غیرانسانی را که از آغاز جنگ اتفاق افتاده بود مدنظر قرارداد و در این زمینه حتی متهمان را در مورد عملیات غیرانسانی که علیه مردم کشورهای خود مرتکب شده بودند مسئول شناخت و این امر تحول بزرگی در مورد حدود و دامنه مسئولیت فردی در حقوق بین‌الملل است.

3- توطئه و جنایت بر ضد صلح

درکنفرانس لندن نمایندگان امریکا و انگلیس پیشنهاد کردند که طرح نقشه مشترک و سبق تصمیم و توطئه بر ضد صلح و آرامش جهانی تحت عنوان جنایات بر ضد صلح، جرم خاص و مستقلاً تلقی شود. نظر به اینکه این جرم، یعنی توطئه‌ای که جذبه‌جزایی دارد³³، برای حقوقدانانی که در حقوق مدون و سیستم قانون نوشته کار کرده‌اند، اصطلاحی نامأنوس و غیرحقوقی بود، نمایندگان شوروی و فرانسه در ضرورت قبول چنین نظری تردید داشتند.

33. Criminal conspiracy.

بنابر نظر امریکا جرم دانستن این قبیل اقدامات اجازه می‌دهد که تحقیق دادگاه در مورد عملیات نازیها محدود به دوران جنگ نشود، بلکه اعمال حزب نازی از دو تأسیس آن، یعنی 24 فوریه 1920، تا پایان جنگ مورد تحقیق قرار گیرد و نقشه‌ها و توطئه‌های ضد صلح برای تغییرات ارضی در مرزهای آلمان و آغاز جنگ به دادگاه ارائه گردد. با این توضیحات قبول شد که «توطئه بر ضد صلح» به عنوان یک جرم مستقل قابل رسیدگی باشد و در دادگاه مطرح گردد (ماده 6 (b) منشور).

دادگاه در رأی خود توطئه بر ضد صلح بطور اطلاق را نپذیرفت، بلکه توطئه‌ای را جنایت بین‌المللی تلقی کرد که منجر به جنگ تعرضی شده باشد. به عبارت دیگر، به عقیده دادگاه باید بین طرح توطئه و اجرای آن، قصد ارتکاب به معنای جزایی آن وجود داشته باشد. با وجود آنکه این جرم سهم مهمی در جریان دادرسی و شدت و ضعف آرای دادگاه نداشت، مع ذلك باید آن را یکی از جنبه‌های مهم حقوقی دادگاه نورمبرگ دانست که موضوع مسئولیت جزایی

فردی در حقوق بین‌الملل را که نظریه کاملاً جدیدی است، مطرح نموده است. جنگ تعرضی: در رأی دادگاه به دوازده فقره جنگ تعرضی از طرف آلمان اشاره شده بود، ولی دادگاه توصیفی از اینکه شرایط و خصوصیت ضروری برای اینکه یک جنگ، تعرضی تلقی شود چیدست، به دست نداد. دوازده جنگ مورد استناد دادگاه حمله به کشورهای لهستان، دانمارک، نروژ، لوکزامبورگ، بلژیک، هلند، فرانسه، یوگسلاوی، یونان، شوروی، انگلیس و آمریکا بود.

باید گفت گرچه حمله آلمان به بیشتر این کشورها جنگ تهاجمی بطور آشکار بود ولی با فقدان تعریف و ضابطه‌ای روشن در حقوق بین‌الملل نسبت به جنگ تعرضی و شرایط تحقق آن، در زمانی که دادگاه جریان داشت، قبول جنگ تعرضی در مورد بعضی از کشورها فاق تردید بود. مثلاً در مورد اشغال نروژ از طرف آلمان باید گفت علت حمله آلمان به آن کشور این بود که انگلیس و فرانسه تصمیم داشتند نروژ را بطور صلحجویانه اشغال کنند³⁴ و در

34. Occupation *Pacion* Pacifique.

موقع مقتضي از آن کشور به آلمان حمله نمایند؛ ولی آلمان پیشدستی کرد و قبل از اینکه انگلیس و فرانسه، نروژ را اشغال کنند به آن کشور حمله برد و آن را اشغال نمود.

در مورد اطلاق جنگ تعرضی به اعلان جنگ آلمان به آمریکا نیز تردید بود، زیرا آمریکا از مدتها قبل، از وضع بیطرفی در جنگ خارج شده و بطور آشکار به انگلیس کمک نظامی قابل توجه می‌کرد و به این ترتیب، اعلام جنگ آلمان به آن کشور، امری بود طبیعی.

در زمینه به انگلیس و فرانسه دفاع متهمان بر این اساس بود که آلمان به این دو کشور اعلان جنگ نداد، بلکه این دو کشور بودند که جنگ را با آلمان شروع کردند. این ایراد در دادگاه پذیرفته نشد، زیرا آلمان به خوبی می‌دانست که فرانسه و انگلیس تمامیت ارضی لهستان را تضمین کرده بودند؛ بنابراین حمله به لهستان حمله به آن دو کشور نیز تلقی می‌شد.

در جریان دادگاه این سؤال مطرح شد که آیا با توجه به قواعد حقوق بین‌الملل

در سال 1939، یعنی سال آغاز جنگ، می‌توان جنگ تهاجمی را در آن موقع یک جنایت بین‌المللی دانست؟ جواب به این سؤال، از نظر رد یا قبول ایراد وکلای مدافع متهمان سخت واجد اهمیت بود. به عقیده وکلای مدافع، جنگ تعرضی را منحصراً از تاریخ امضای منشور لندن، یعنی سال 1945، می‌توان جنایت بین‌المللی دانست نه قبل از آن. در غیر این صورت، اطلاق این جرم به جنگ‌های تهاجمی قبل از این تاریخ منجر به این می‌شود که عملی که در گذشته جرم نبوده، بعداً جرم به شماره آید³⁵، که مغایر با اصول دموکراسی و قوانین اساسی کشورهای متفق است.

رأی دادگاه، اصل مسئولیت فردی را در مورد جرم «جنایات بر ضد صلح» که در منشور لندن پیش‌بینی شده و قواعد آن برای همگان لازم‌الاجرا بود، مورد قبول قرار داد و به این ترتیب نظر واضعان منشور که این جرم را از جرائمی قلمداد

35. *ex post facto*: عملی که در گذشته جرم نبوده و امروز جرم تلقی شود. در واقع این اصطلاح به قانونی گفته می‌شود که برای شخص، نسبت به عملی که در گذشته انجام داده، مجازاتی مقرر می‌دارد که حین ارتکاب آن، عمل شخص فاعل، جرم محسوب نمی‌شده است (Black's Law Dictionary, p. 520)

کرده بودند که در حقوق بین‌الملل وجود داشته است، تأمین شد. نظر به اینکه چنین قاعده‌ای قبل از منشور، نه در حقوق بین‌الملل سنتی وجود داشته و نه در حقوق بین‌الملل عرفی، اظهار نظر حقوقی دادگاه براساس این قاعده جای تردید و بحث باقی می‌گذارد.³⁶

4- حقوق حاکم یا قابل اعمال و دلایل

از نظر واضعان منشور لندن، در مورد تشکیل دادگاه، امضای یک قرارداد بین‌المللی است که نه تنها کشورهای امضاء کننده را متعهد می‌کند بلکه متهمان آلمانی را نیز موظف می‌دارد که در مدافعات خود از محدوده قواعد و مقررات پیش‌بینی شده در آن خارج نشوند. استدلال متفقین این بود که حدود و دامنه اعمال خلاف حقوق و جنایات این متهمان آنقدر وسیع است که نمی‌توان قبول کرد که خود ایشان از عواقب احتمالی آنها غافل بوده‌اند.

36. در مورد اساسهای حقوقی دادگاه رنک. به:

MURRAY, BERNAYS: *The Legal Basis of the Nuremberg Trials*, Reader's Digest, Mars 1946;

MAX RADIN: *Justice at Nuremberg*. Foreign Affairs, April 1946.

نویسندگان منشور دادگاه بر این اعتقاد بودند که متهمان حق ندارند در مورد جنایات بر ضد صلح و جنایات ضد انسانی به قاعده «قانونی بودن جرم»³⁷ استناد نموده و مدعی شوند که حتی اگر همچنین جرمی در حقوق بین‌الملل وجود داشته باشد باز هم مجازاتی برای آن پیش‌بینی نشده است و نیز نمی‌توانند به اصل "*ex post facto*" استناد نمایند به این عنوان که اگر توطئه بر ضد صلح، از تاریخ امضای منشور، جرم تلقی گردد، اعمالی که به عنوان اعمال خلاف حقوق به آنها منتسب شده است قبل از وضع این قاعده بوده و اجرای مجازات را نمی‌توان عطف به ماسبق کرد.

به این ترتیب، منشور لاندن این سلاح‌های دفاعی را قبل از تشکیل دادگاه از متهمان گرفت. استدلال واضعان منشور در این زمینه‌ها، که بعداً هم مورد تأیید دادگاه قرار گرفت، مبتنی بر این بود که دو اصل یاد شده از قواعد اختصاصی حقوق داخلی و سیستم قانون نوشته بوده و قابل

37. *nullum crimen sine lege*: هیچ عملی جرم نیست مگر به موجب قانون یا قاعده قانونی بودن جرم.

تسري به حقوق بين الملل نيست. اين رشته از حقوق دائماً در حال تحول و تكامل است و هنوز كاملاً تدوين نشده و ضمانت اجرايي هم ندارد؛ بنا بر اين گاهي اوقات، قاضي بين المللي مي تواند مقدم بر قانونگذار، كه دولتها هستند، در مورد ضمانت اجرايي يك قاعده حقوقي اتخاذ تصميم نمايد. به علاوه دو قاعده فوق الذكر از جمله قواعد حقوق بين الملل عرفي هم نيست و دولتها مي توانند از طريق قرارداد از اعمال آنها در روابط متقابل بين خود صرف نظر کنند.³⁸

دادگاه مي گويد: «درست است كه قبل از منشور لندن جرمي به نام جنايت بر ضد صلح وجود نداشته و هيچ دادگاه بين المللي هم تا كنون براي محاکمه و تنبيه مرتكبان اين جرائم تشكيل نگردیده...»، مع ذلك در شرايط فعلي اين دادگاه نمي تواند بگويد كه منشور لندن اصل «هيچ عملي جرم نيست مگر به موجب قانون» را نقض کرده است...». دادگاه بر اين نظر است كه: «... قاعده مذکور به

38. در مورد حقوق يا قانون حاكم ونيز دلايل، رك. به:

TRAININE: *Procedure à Nuremberg*, Revue de droit Int'l de Science Diplomatique et Politique. 1946.

هیچ وجه حاکمیت تصمیم‌گیری دولتها را محدود نمی‌سازد و بنابراین آنها می‌توانند طی یک قرارداد از اعمال این دولتها را محدود نمی‌سازد و بنابراین آنها می‌توانند طی یک قرارداد از اعمال این اصل صرف نظر کنند...»³⁹ دادگاه ادامه می‌دهد:

«... نظر به اینکه قرارداد بریان کلوگ⁴⁰ مورخ 27 اوت 1928 جنگ را عمل خلاف حقوق می‌داند و اسناد بین‌المللی دیگری نیز وجود دارند که جنگ را ممنوع کرده‌اند... بنابراین نمی‌توان مدعی شد که در زمان وضع منشور لندن، توطئه بر ضد صلح جرم جدیدی بوده است...»⁴¹

5- امر مافوق و مسئولیت عامل

در منشور لندن پیش‌بینی شده بود که امر مافوق رافع مسئولیت نیست و فقط در بعضی شرایط می‌تواند از کیفیات مخفیه باشد. استدلال واضعان منشور این بود که

39. Procès des Grands Criminels de Guerre Edition Officielle, p. 321.

40. Briand Kellogg.

41. همانند مأخذ، ص 186. و نیز رك. به: International Military Tribunal (T.M.W.C.I).

در شرایط فعلی جهان، پیشرفت تکنولوژی و ایجاد سلاحهای مرگبار به جایی رسیده است که يك فرد به تهنائی قادر خواهد بود شهرها و تمدنهایی را به نابودی بکشد؛ بنابراین اجراکننده يك امر خلاف حقوق، گاهی مسئولیت خطیری به عهده دارد که ممکن است هیچ وقت آثار احتمالی ناشی از آن جبران پذیر نباشد. طبیعی است در چنین مواردی مأمور باید از اجرای امری که تشخیص می دهد نتایج وخیم و غیرانسانی خواهد داشت خودداری کند. گذشته از این، موقعی که منشور لندن تنظیم می شد، هیتلر پیشوای آلمان، دکتر گوبلز وزیر تبلیغات و هیملر رئیس گشتاپو خودکشی کرده بودند و مارتین بورمان معاون هیتلر نیز مفقود شده بود؛ بنابراین این بیم این می رفت که همه متهمان در دادگاه استناد به امر مافوق نمایند.

به هر حال، قواعد بالا بعدها از نقاط ضعف دادگاه تشخیص داده شد و مورد انتقاد قرار گرفت و بخصوص مسئله امر مافوق باتوجه به اهمیت انضباط نظامی در زمان جنگ برخلاف انصاف و غیرحقوقی تلقی گردید. عدالت ایجاب می کرد که واضعان

منشور لندن قضاوت در این مورد را به عهده دادگاه واگذارند.

6- ادله و مدارك وقوع جرائم

در مورد دلایل جرائم برای ارائه به دادگاه قرار بر این شد که در درجه نخست ادعاینامه‌های تنظیمی براساس مدارکی باشد که در آلمان اشغالی از بایگانی آن کشور به دست متفقین افتاده است. در ضمن، بین هیأت‌های دادستانی چهار کشور نوعی تقسیم کار در تهیه مدارك برای اثبات ارتکاب جرائم سه‌گانه مذکور بوجود آمد. مثلاً هیأت دادستانی امریکا تحقیق در تاریخ حزب نازی و روی کارآمدن آن حزب در آلمان را از بدو تأسیس تا پایان جنگ به منظور طرح جرم «جنایت بر ضد صلح» در دادگاه به عهده گرفت و دادستانیهای فرانسه و شوروی مأمور جمع‌آوری دلایل «جنایات جنگی» و «جنایات ضدانسانی» در غرب و شرق اروپا شدند و دادستانی انگلیس نیز می‌باید در زمینه «جنگ تهاجمی» با لغو قرارداد‌های بین‌المللی اقدام نماید. طبق منشور لندن مقرر شده بود که رأی دادگاه با اکثریت سه رأی

موافق صادر گردد و در مواردی که اکثریت لازم حاصل نشود، رأی رئیس دادگاه معتبر است.

7- آئین دادرسی دادگاه

از جمله موارد دیگری که به ضرر مدافعان آلمان بود اعمال قواعد سیستم دادرسی کشورهای آنگلوساکسون در دادگاه بود. به این معنا که در سیستم آنگلوساکسون دادستان به صورت حریف مخالف، فقط کوشش دارد مواردی را که در ادعای نامه ها گفته شده ثابت نماید. سؤال و جواب حضوری در دادگاه⁴² از شاهد و یا متهمان در مواردی که به عنوان شاهد شهادت می‌دادند، برای متهمان و وکلای مدافع آلمانی بسیار تازگی داشت. مع ذلك باید گفت دادرسی منحصرأ بر اساس روش دادرسی آنگلوساکسون نبود، بلکه در مواردی موازین آئین دادرسی کشورهای اروپایی⁴³ که دارای حقوق نوشته هستند نیز اعمال می‌شد، از جمله اصل قبول دلیل

42. Cross examination.

43. Continental.

مشهود و یا اصل آزادی استنباط و تفسیر
دلایل .

8- آغاز و خاتمه دادگاه

دادگاه روز 20 نوامبر 1945 در شهر نورمبرگ آغاز به کارکرد و روز اول اکتبر 1946 رأی خود را در مورد متهمان آلمانی صادر نمود. به این ترتیب، تاریخی‌ترین دادگاه بین‌المللی یازده ماه طول کشید. در این مدت ورزیده‌ترین متخصصان حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل جزایی با عنوان دادستان و وکیل مدافع و یا کارشناس به دادگاه آمدند و حساسترین مسایل حقوق بین‌الملل ناظر به جنگ و قواعد آن و جرائم ضدانسانی مطرح گردید. ساعتها فیلم از وقایع دلخراش جنگ و اردوگاههای جنگی و غیرجنگی و اعدام اشخاص بیگانه به معرض نمایش دادگاه گذارده شد و شخصیت‌های مختلفی از دو طرف برای ادای شهادت به دادگاه احضار شدند. به متهمان آلمانی همه گونه تسهیلات دفاعی داده شد، ولی به هر حال از آغاز معلوم بود که پایان دادگاه برای آنها امیدوارکننده نخواهد

بود و ایرادات و اعتراضهای آنان نیز به جایی نخواهد رسید. ریئس هیأت دادستانی امریکا در جلسه افتتاح دادگاه اعلام کرده بود که تشکیل این دادگاه را باید در حقیقت ادامه کوششهای جنگی ملل متفق تلقی کرد و به این دلیل و بنابر ملاحظات و الزامات جنگی، دادگاه نمیتواند پایبند و مقید به بعضی از اصول دادرسی و ظرافت و ریزه کاریهای سیستم حقوقی و یا قانون اساسی کشورهای تشکیل دهنده آن باشد؛ زیرا صلاحیت دادگاه نه تنها مبتنی بر قواعد حقوق بین الملل، بلکه ضمناً ناشی از رویه های قضایی و قواعدی است که مجموع آنها بنیان سیستمهای حقوقی جوامع بشر متمدن را تشکیل میدهند.⁴⁴

از بیست و چهار نفری که جرمهای ارتكابي آنان محدوده جغرافیایی خاصی نداشت و به نام متهمان بزرگ به دادگاه احضار شدند، فقط بیست و یک نفر در روز افتتاح دادگاه در جایگاه متهمان نشسته بودند. فن بوهلن از وزرای اسبق تسلیحات آلمان به علت بیماری و عدیل بودن از حضور در دادگاه معاف شد و روبرت لی

44. Justice Jackson at Nuremberg, Int. Lawyer 1986, p. 893.

وزیر کار و کار اجباری اسرای جنگی نیز قبل از تشکیل دادگاه خودکشی کرده و مارتین بورمان معاون هیتلر چون مفقود شده بود، محاکمه او غیابی صورت گرفت. به طوری که یادآوری گردید، دادگاه پس از یازده ماه، روز اول اکتبر 1946، رأی خود را در مورد متهمان بزرگ صادر کرد. به موجب این رأی دکتر شاخت، فن پاپن و فریتچه از جرائم انتسابی تبرئه شدند. سه نفر به زندان دائم و دو نفر به بیست سال و یک نفر به پانزده سال و یک نفر به ده سال زندان و بقیه به اعدام محکوم شدند. مارشال کایتل، ژنرال یودل، گورینگ، اشترايخر، فن ریبِن تروپ و روزنبرگ از جمله اعدامیها بودند.

در مورد سازمانهای اداری و نظامی آلمان دادگاه، هیأت رئیسه حزب ناسیونال سوسیالیست و سازمانهای اس.اس.، اس.آ. و گشتاپو را سازمانهای جنایتکار اعلام نمود. به موجب منشور لندن، احکام صادر قطعی و غیرقابل تجدید نظر بودند. آرای اعدام صبح زود روز 16 اکتبر 1946 درباره یازده نفر از محکومان در سالن مجاور محل دادگاه اجرا گردید. مارشالگورینگ

در آخرین ساعات، یعنی اندکی قبل از نیمه شب 15 اکتبر، در سلول خود با سیانوری که در اختیار داشت و معلوم نشد چگونه به دست او رسیده بود، خودکشی کرد. جسد اعدام شدگان سوزانیده شد و خاکستر آن را در رودخانه «ایزار» ریختند که به امواج دریا سپرده شود. به این ترتیب فصل آخر جنگ دوم جهانی به پایان رسد.

9- دادگاههای نظامی بعد از نورمبرگ

دستورالعمل شماره 10 شورای کنترل متفقین مورخ 20 دسامبر 1945، اساس تشکیل دادگاههای جنائی دیگری بود که کشورهای اشغال کننده در آلمان به منظور دادرسی و مجازات متهمان درجه دو تشکیل دادند. اساس قواعد این دادگاهها بر پایهها و اصول دادگاه نظامی نورمبرگ بود، منتهی با دو اختلاف قابل توجه: یکی عنوان شدن جرم جدیدی که قابل رسیدگی در دادگاههای مذکور بود، به نام «تجاوز به کشورهای دیگر»- پیشبینی این جرم جدید بدان منظور بود که بتوان به استناد آن عاملان اشغال چکوسلوواکی و اتریش را تنبیه کرد-

؛ اختلاف دوم این بود که جرم «جنایات ضد انسانی» به نحوی انشاء شده بود که جرائم ارتكابي قبل از 1939 را نیز شامل می‌گردید. همچنین به موجب این دستورالعمل، فرماندهان نظامی چهار کشور اشغال کننده آلمان اختیار داشتند که در قسمتهای تحت نظارت خود، دادگاههایی به منظور تنبیه اعمال قابل مجازات تشکیل داده و قواعد دادرسی در آنها را نیز خود تعیین نمایند. فرمانده منطقه اشغالی امریکا به این منظور، امریه شماره 7 مورخ 18 اکتبر 1946 را صادر کرد.⁴⁵

به موجب این امریه، شش دادگاه نظامی که هرکدام سه قاضی داشت تأسیس شدند و ژنرال تایلور به سمت دادستان کل این دادگاهها منصوب گردید. این قضات از بین قضات دادگاههای مختلف امریکا انتخاب شده و غیرنظامی بودند. دادگاههای مذکور که وظیفه محاکمه متهمان درجه دوم را به عهده داشتند، بین المللی نبودند و باید آنها را دادگاههای نظامی امریکا در

45. Military Government Gazette, Germany- American, on B. p.10.

منطقة اشغالي دانست. اين دادگاه ها به شرح زير بودند:⁴⁶

1- دادگاه پزشكان

جرائم انتسابي به بيدست و سه نفر پزشك در اين پرونده عبارت بود از: آزمايشهاي پزشكي غيرانساني روي زندانيان عادي و اسراي جنگي در بازداشتگاهها و كشتن بيماران رواني و افراد عقب افتاده در بيمارستانها و آسايشگاههاي آلمان تحت عنوان «برنامه از بين بردن بيماران غيرقابل علاج». دادگاه به منظور سنجش و قضاوت در اعمال پزشكان متهم آلمان، ده ضابطة گوناگون در نظر گرفته بود.

در مورد مسایل پزشكي و رابطه آنها با مباني اخلاقي كه در اين دادگاه مطرح شد، بايد گفت اين مسایل هنوز مورد بحث محافل پزشكي و قانوني كشورها بوده و تاكنون راه حلهاي قطعي براي آنها پيدا نشده است.

46. در مورد دادگاههاي بعدي نورمبرگ رك. به:

NEUMANN (I): *European War Crime Trails Wienes*, Library London Rosen Baim, 1951.

وکلاي مدافع آلماني اقداماتي کردند تا احکام صادره از این دادگاه را وسیله سایر دادگاههاي امريکا نقض کنند؛ ولي اقدامات آنها در این زمینه به علت فقد صلاحیت دادگاههاي امريکا به نتیجه اي منجر نشد.

2- دادگاه رسیدگی به قوانین غیرانسانی

بطورکلي جرائم رسیدگی شده در این دادگاه عبارت بودند از: وضع قوانین غیرانسانی مانند قانون تعقیب و سرکوبي يهودیان و مخالفان رژیم و همچنین آئيننامه و تصمیمات غیرحقوقی و غیرقانونی مانند برنامه توقیف و یا کشتار مخالفان رژیم در کشورهای اشغالی اروپا. به استناد و در اجرای این برنامه در فرانسه اشغالی زیاده روی بسیاری شد. دادگاه وظیفه داشت در نکات و مبانی حقوقی این قوانین و دستورالعملها تحقیق نموده و واضعان قوانین و دستورهاي مخالف حقوق را به مجازات برساند.

به هرحال، دادگاه دفاع متهمان آلمانی را نپذیرفت و آنها را به حبسهای گوناگون محکوم کرد.

3- دادگاه سیاست و برنامه‌های نژادی آلمان

جرائم رسیدگی شده در این دادگاه مربوط به اتهام مأموران عالیرتبه اس.اس. و پلیس مخفی در سازمان مخصوص «دفتر امور اقتصادی و اداری» که مسئولیت اداره سرزمینهای اشغالی را به عهده داشت، بود.

پرونده شماره 8 این دادگاه مربوط به رسیدگی به اتهامات «الریخ گری فلت» و دیگران، مأموران عالیرتبه اس.اس. و پلیس، بود. مأموریت این گروه اجرای برنامه‌های سیاست نژادی آلمان ناسیونال سوسیالیست از طریق نقل و انتقال اجباری و جابجایی مردم کشورهای اشغالی اروپا بود.

فجیع‌ترین پرونده‌ای که در این دادگاه مطرح شد پرونده شماره 4 مربوط به «اتو اولندر» و دیگران بود. در این پرونده جرائم انتسابی مربوط به رئیس و مأموران سازمان مخصوصی به نام «گروه اعدام» بود که در سازمان پلیس مخفی

آلمان تشکیل شده و مأموریت آن عبارت از کشتن و ترور یهودیان و مخالفان رژیم در مناطق اشغالی اروپای غربی بود و تا پایان جنگ در حدود یک میلیون نفر توسط این سازمان در شرایط بسیار فجیعی از بین رفتند.

4- دادگاه جرائم اقتصادی

در این دادگاه که به جرائم اقتصادی رسیدگی می‌نمود، سه فقره دادرسی علیه رؤسای علیرتبه صنایع آلمان به عمل آمد. در دادگاه «فلیک»⁴⁷ (پرونده شماره 5) موضوع کار اجباری کارگران و اسرای جنگی خارجی در صنایع جنگی مطرح شد. در دادگاه مذکور مسئله الزام و ضرورت به عنوان دفاع در قبال ترور و وحشت از دولت به میان آمد. محکومان این پرونده بعداً برای تجدید دادرسی به دادگاه عالی فدرال در آمریکا مراجعه کردند، ولی دادگاه تقاضای آنها را به علت فقد صلاحیت رد کرد.⁴⁸

47. Flick.

48. دادگاه عالی فدرال ایالات متحده خود را برای تجدید نظر در رأی یک دادگاه بین‌المللی ذی صلاحیت نمی‌داند. رک. به:

پرونده شماره 10 موضوع رسیدگی به جرائم صاحبان و رؤسای کارخانه اسلحه سازی کروپ بود. نکته اصلی در این پرونده اثبات این بود که آیا اقدامات صاحبان و روسای کارخانه کروپ در تقویت دستگاه جنگی آلمان، یک ضرورت جنگی بوده است یا نه؟ دادگاه دفاع براساس الزام را پذیرفت و متهمان از این بابت تبرئه شدند. در دادرسی فرماندهی ارتش آلمان (پرونده شماره 12 ویلتلم فن لیب) دادگاه انتساب جرم جنایات بر ضد صلح در مورد متهمان را قبول ننمود. به نظر دادگاه، متهمان در شرایطی نبودند که قادر باشند در سیاست عمومی آلمان تأثیری داشته باشند.

5- دادگاه مربوط به اعضای دولت (کابینه)

مسئولیت رهبران اداری و سیاسی اعضای مهم دولت در دو دادگاه مورد رسیدگی و قضاوت قرار گرفت. در پرونده شماره 11 مربوط به مارشال هوایی «میلش»، دادگاه به این دلیل که افسر مزبور عضویت دفتر مرکزی برنا مه ریزی

ANDRE SUZANNETUNG: *Histoire Constitutionnelle des Etats Unies*, ed. Domat, Paris.

اقتصاد جنگی را داشته و با این سمت از برقراری کار اجباری اسرای جنگی و مردم کشورهای اشغالی پشتیبانی کرده است، او را به حبس ابد محکوم کرد. این رأی با توجه به آرای دیگر دادگاههای نورمبرگ شدید به نظر می‌رسید. شاید دلیل شدت رأی این بود که پرونده میلشن قبل از پرونده‌های دیگر در دادگاه رسیدگی شد و دادگاه بین حکم حبس ابد و یا برائت نتوانسته بود نرمش و انعطاف‌پذیری داشته باشد.

بخش بزرگ و آخرین پرونده‌هایی که در این دادگاه رسیدگی شد مربوط به کارمندان عالی‌رتبه وزارت خارجه و وزرای آن و کسانی که سیاست خارجی را رهبری می‌کردند بود و به این دلیل آن را «پرونده وزراء» و یا «وزارت خارجه»⁴⁹ می‌گفتند.

پرونده شماره 11 این دادگاه مربوط به «فن ویزکر» معاون وزارت خارجه و دیگران بود. چند نفر از معاونان وزارت خارجه و کارمندان عالی‌رتبه به جرم

49. گویا به اعتبار اینکه محل وزارت خارجه در جایی به نام Wilhelm Strasse واقع بوده به این نام خوانده شده است.

جنایت بر ضد صلح محکوم شدند. رأی در مورد ویزکر و «فورمن» چند ماه بعد وسیله همان دادگاه با توضیحات کتبی تغذیر یافت؛ زیرا دادگاه انضمام اتریش و چکوسلوواکی را «جنایت بر ضد صلح» تلقی نموده بود، در حالیکه در دادگاه اصلی نورمبرگ جرم «توطئه بر ضد صلح» موقعی محقق می‌شد که انضمام یک کشور با هجوم و تهاجم صورت گرفته باشد. به این ترتیب - و بطوریکه فوقاً هم گفته شد- دادگاه با توجه به رویه قضایی دادگاه اصلی نورمبرگ، رأی خود را اصلاح و متهمان را تبرئه نمود.

6- نتیجه

آرای دادگاههای نورمبرگ را باید از مهم‌ترین عوامل پیدایش و توسعه حقوق بین‌الملل جزایی تلقی نمود. با وجودی که این دادگاهها وصف فراملی⁵⁰ نداشتند، مع ذلك آرای آنها قدم بسیار بزرگی در راه تفسیر و تقویت قواعد قابل‌اعمال حقوق بین‌الملل است. بخصوص در آنچه که مربوط به نحوه رفتار با دشمن شکست خورده

50. Supranational.

متجاوز می‌شود، آرای نورمبرگ واقعه‌ای
بی‌نظیر در زندگی جوامع انسانی است.
متأسفانه تاکنون اقدامات سازمان
ملل متحد در تدوین قواعد منشور لندن
راجع به تأسیس دادگاه و همچنین آرای
صادر از دادگاه اصلی در مجازات جنایات
بر ضد صلح و جنایات جنگی و جنایت
ضد انسانی، به صورت مجموعه‌ای از قواعد
آمره حقوق بین‌الملل، بی‌نتیجه بوده است.
در تاریخ یازدهم دسامبر 1949 مجمع
عمومی سازمان ملل طی قطعنامه UN. GA. Res.
95 تأیید نمود که «منشور لندن و دادگاه
نورمبرگ و آرای صادره از آن، از اصول و
قواعد حقوق بین‌الملل اند». اثر و نتیجه
چنین اظهار نظری را می‌توان بیشتر به
عنوان تصویب اقدامات کشورهای متفق در
مورد رهبران سابق آلمان و یا اعمال
قواعد حقوق بین‌الملل جزایی از طرف
کشورهای فاتح علیه کشورهای شکست خورده
تلقی کرد تا سندی که منشور لندن و آرای
دادگاه را به عنوان قواعد امره حقوق
بین‌الملل از طرف دولت‌ها تصویب کرده
باشد و با وجود آنکه در قطعنامه اظهار
امیدآوری شده است این قواعد در آینده

نیز رعایت شوند، ولی باز هم نمی‌توان مدعی شد که قواعد و آرای دادگاه نورمبرگ به‌عنوان یک قرارداد بین‌المللی همه دولتها را متعهد کرده است.

در قطعنامه دوم سازمان ملل مورخ 21 نوامبر 1947⁵¹ حتی مسئله تأکید و تکرار اینکه قواعد و آرای دادگاه نورمبرگ از قواعد حقوق بین‌الملل می‌باشند، مطرح نشده است، بلکه بنابر مدلول آن به کمیسیون جدید التأسیس حقوق بین‌الملل مأموریت داده شد که به تدوین قواعد ناظر به جرائم ضد صلح و ضد انسانی مبادرت کند. این کمیسیون نیز در سال 1950 قواعد و اصول دادگاه را براساس هفت اصل تدوین نمود. در سال 1954 کمیسیون حقوق بین‌الملل جزایی نیز قواعدی در زمینه جرائم ضد صلح و ضد انسانی پیش‌بینی کرد و این قواعد را طی سند Y.I.L.C. 1954 (II) p. 149 منتشر نمود، ولی هیچکدام از این متون به تصویب قطعی مجمع عمومی سازمان و یا کشورها به‌طور انفرادی نرسید.

مجمع عمومی سازمان در سال 1957 طی قطعنامه‌ای اقدامات انجام شده را موکول

51. U.N.GA.Res 177

به تهیه تعریف از مهاجم نمود و در سال 1974 نیز مجمع عمومی طی قطعنامه شماره 3314- اجلاس بیست و نهم، تعریف مهاجم را مور تصویب قرارداد و به این ترتیب کمیسیون ششم سازمان ملل توانست به تهیه طرح جرائم ضد صلح و ضدانسانی مبادرت کند. این طرح در سال 1978 آماده گردید و برای اظهار نظر در اختیار دولت‌ها گذارده شد، ولی تا این تاریخ فقط چند کشور در مورد این طرح اظهار نظر کرده‌اند. تعریف مهاجم نیز متضمن نکات حقوقی زیادی نیست و اقدامات سازمان ملل تاکنون برای تدوین قواعد دادگاه نورمبرگ و منشور لندن به‌عنوان حقوق حاکم یا قابل اعمال⁵² در موارد مشابه به جایی نرسیده است و به نظر می‌رسد در وضع فعلی جهان تمایلی هم به انجام این کار وجود ندارد.

در چنین شرایطی اگر احتمالاً وضعی نظیر آنچه که بعد از جنگ دوم جهانی بوجود آمد و آن همه جرائم جنگی و ضدانسانی اتفاق افتاد، پیش آید و برای رسیدگی به آنها دادگاههایی تأسیس شود،

52. Applicable law.

قطعاً اساس کار آنها همان اساس و قواعد و آرای دادگاه نورمبرگ خواهد بود. دادگاههاي نورمبرگ مسایل حقوقی زیادی را مطرح کردند که هنوز در اطراف آنها بحث ادامه دارد و آرای آن از جهات گوناگون مورد انتقاد قرار گرفته است؛ مع ذلك و با وجود نقصهایی که این دادگاهها داشتند، بی‌انصافی است که گفته شود این دادگاهها را فقط انگیزه های سیاسی و یا انتقامی بوجود آورد و فاقد زمینه ها و مشروعیتهای حقوقی بوده اند. تشکیل دادگاههاي نورمبرگ را برای رسیدگی به اعمال خلاف حقوق جنگ دوم جهانی، بالاخص با توجه به امکاناتی که متهمان در دفاع از خود داشتند، باید یکی از بنیانهای محکم برای حقوق بین‌الملل دانست. حتی اگر گفته شود متفقین هم مرتکب اعمال خلافی شدند که بدون مجازات ماند و یا از احکام شدید این دادگاهها در مواردی انتقادی شود، مع ذلك بطور کلی دادگاههاي نورمبرگ را که ایجاد آنها نتیجه کمبود تأسیسات حقوقی جامعه بین‌المللی بوده است، باید يك حادثه بزرگ در تاریخ بشر دانست؛ ولي

قابل تأسف است که تجربیات حاصل از آن
مورد استفاده قرار نگرفت.

ضمیمه 1

قضات دادگاه نورمبرگ

Prf. Donnedieu de Vabres : فرانسه

Robert Falco

Francis Biddle : امریکا

J.

Parker

Genral T. Nikitchenc : شوروی

F. Volchko

انگلیس (رئیس دادگاه)

N. Birkett

G. Lawrence

هیأت‌های دادستانی

امریکا:

فرانسه:

R. H. دادستان François de Menthon دادستان

Justice Jackson

Col. R. G. دادیار A. Champtèr de Ribes دادیار
Storey

انگلیس:

R.A. Rudenco

شوروی:

دادستان

Sir. Hartely Shaw Cross دادستان

Sir. David دادیار Col. Y. V. Pokrovsky دادیار

Maxwell Fyle

ضمیمه 2

متهمان آلمانی

بیست و چهار نفر از کسانی که فعالیت آنها
کلیه جنبه‌های رژیم نازی را می‌پوشانید به شرح
زیر به دادگاه جلب شدند:

جانشینان هیتلر: گورینگ، رودلف هس⁵³

دو نفر از وزرای خارجه: فن ریبت
تروپ، فن پاپن⁵⁴

از ارتش: مارشال کایتل، ژنرال یودل،
دریاسالار دونیتس، دریا سالار رایدر⁵⁵

از سران حزب نازی: بورمان، روزنبرگ⁵⁶

53. H. Goering- R. Hess.

54. Von Papen- Von Ribbentrop.

55. E. Raeder- A. Yodi- W. Keitel- K. Doentiz.

56. A. Rosenberg- M. Borman.

وزرای کار: روبرت لی، فریک⁵⁷
وزرای تسلیحات: اشپیر، کروپ، بوهلن،
هالباخ⁵⁸
مسئولان پلیس: کالتربرونر، فریک⁵⁹
مسئولان کشورهای اشغالی: نویرات، سیس
اینکوآرت، فرانک⁶⁰
امور اقتصادی و دارایی: دکتر شاخت،
والترفونک⁶¹
مسئولان تبلیغات: فریتچه، شترایخر⁶²
مسئولان سازمان جوانان هیتلری: فن
شیراخ⁶³

57. R. Ley- F. Saukel.

58. Speer- G. Krupp- Bohlen- Halbach.

59. R. Kaltenbrunner- W. Frick.

60. Seyss Inquart- Neurath- Frank.

61. W. Funk- Schacht.

62. J. Streicher- H. Fritsche.

63. B. Von Schirach.